

شکوفایی آرمان و بینش زن

مهری بهفر

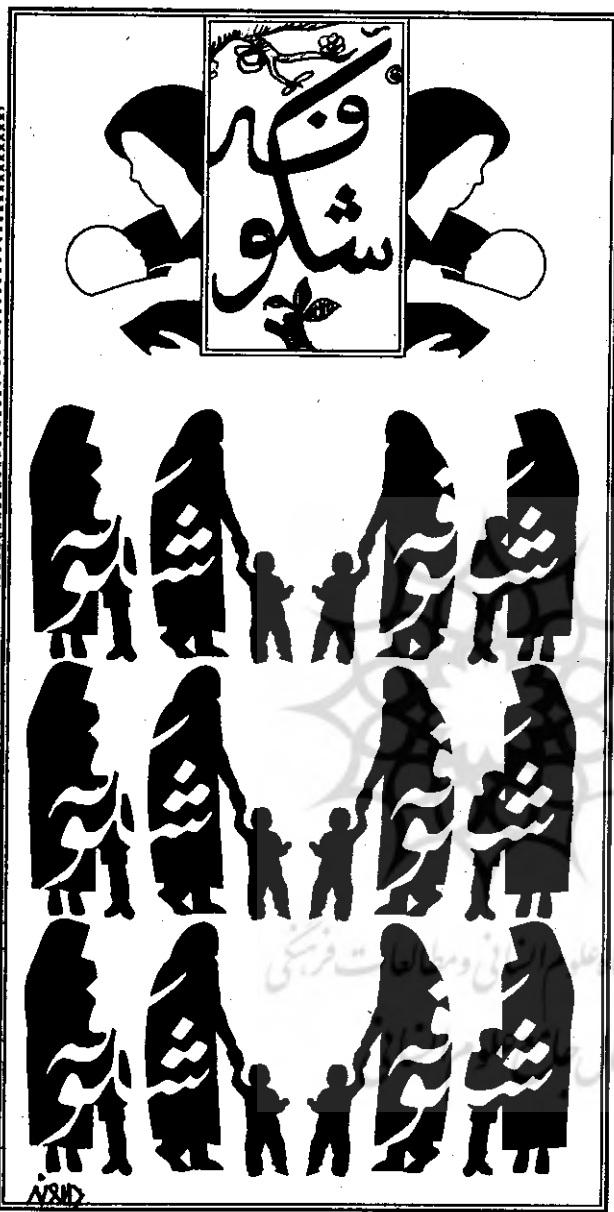
● شکوفه، روزنامه‌ایست اخلاقی، ادبی، حفظ‌الصحه اطفال، خانه‌داری، بچه‌داری مسلک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان، راجع بمدارس نسوان مقالاتیکه با مسلک جریده توافق داشته باشد پذیرفته میشود.

نشریه‌ی شکوفه در سال ۱۲۹۲ خورشیدی - ۱۳۳۰ ق. ۱۹۱۳ م. به صاحب امتیازی و مدیریت مریم عمید سمنانی، ملقب به مزین السلطنه در تهران انتشار یافت. شکوفه دومین نشریه‌ی زنان در ایران بود که پس از نشریه‌ی دانش - نخستین نشریه‌ی زنان - منتشر شد. در طول چهار سال انتشار شکوفه، از سال ۱۲۹۲ تا ۱۲۹۶ خورشیدی، ۷۰ شماره از این نشریه انتشار یافت. درازای ماندگاری شکوفه نسبت به دانش، در نتیجه بیسی شماره‌های انتشار یافته‌اش، شکوفه را به عنوان نخستین نشریه‌ی زنان در ایران مشهور کرده است. در پایان این نوشتار به گونه‌ای گذرا، محتوای دانش و شکوفه مورد مقایسه‌ای کلی قرار خواهد گرفت.

مریم عمید سمنانی، مزین السلطنه

مریم عمید سمنانی، ملقب به مزین السلطنه ۸۶ سال پیش نشریه‌ی شکوفه و مدرسه‌ی دخترانه‌ی دارالعلم و الصنایع مزینیه را در تهران تأسیس کرد. وی نزد پدر دانشمندش - میرسید رضی سمنانی رئیس‌الاطباء، پزشک قشون ناصرالدین شاه قاجار - خواندن و نوشتن و علوم دینی را فراگرفت، سپس نزد استادان گونه‌گون به آموختن علوم و فنون مختلف پرداخت. زبان فرانسه و فن عکاسی را نیز آموخت و کتاب‌هایی را از فرانسه به فارسی ترجمه کرد، که متأسفانه نام و نشانی از آن در دست نیست.

مریم عمید در شانزده سالگی با یکی از شاهزادگان قاجار به نام عمادالسلطنه (سالور) ازدواج کرد، این ازدواج دیری نپایید و پس از یک سال به جدایی انجامید. چندی بعد مریم عمید با مرد روشن‌فکر و با فرهنگی به نام قوام‌الحکما ازدواج کرد. قوام‌الحکما در کارهای فرهنگی و اجتماعی همواره مشوق مریم عمید بود اما این همسری همدلانه نیز با مرگ قوام‌الحکما به جدایی فرجامید. زنان پس مریم عمید همراه با کارهای علمی، فرهنگی و اجتماعی‌اش در راه کنش‌مند کردن جامعه‌ی زنان، به تنهایی به تربیت دو فرزندش



پرداخت.

مریم عمید به جز تأسیس نشریه‌ی شکوفه و کوشش پیوسته برای حفظ و تداوم انتشار آن تا حد فروش ظروف نقره و صرف همه‌ی دارایی‌اش در این راه، مدرسه‌ی دخترانه‌ی دارالعلم و الصنایع مزینیه را تأسیس کرد. در آن هنگام که مدارس دخترانه از هیچ گونه حمایت دولت برخوردار نبودند و به طور خصوصی اداره می‌شدند، مریم عمید در برابر هر دانش‌آموز دختر که توانایی پرداخت شهریه‌ی مدرسه را داشت، در

مدرسه‌اش دو دانش‌آموز دختر را به طور رایگان می‌پذیرفت. فارسی، فرانسه، عربی، تاریخ، ریاضیات، هندسه، جغرافیا و فنون دستی همچون قالی‌بافی و پیچ‌بافی و خیاطی و زردوزی و... توسط آموزگاران توانا به دختران تدریس می‌شد.

مریم عمید بسا نوشته‌هایش در شکوفه و سخنانش در انجمن همت خواتین ایرانی و با اقدام عملی‌اش در تأسیس شعبه‌های مدرسه‌ی مزینیه، هم به نوعی نظریه پرداز اجتماعی برای فرابرد زنان از

ایرانه در نشریه‌های شکوفه (بخش یکم)

● من به شما برادران قول میدهم که خواهران شما هر قدر عقل و شعور پیدا نمایند از ارث پدر بجز نصف حق پسر چیزی بآنها عاید نشود.

وضعیت غیرانسانی حاکم بر آنان به شمار می‌رود و هم برای کوشایی اجتماعی‌اش و در حد توان بهبود بخشیدن به وضعیت ناسزاوار و نابرابری که زن ایرانی در چنبره‌اش اسیر بود، عمل‌گرا شمرده می‌شود.

وی نشریه‌ی شکوفه را چهار سال با همه‌ی مشکلات مالی و ناهمواری‌های اجتماعی، فرهنگی و سنتی که ۸۶ سال پیش می‌توانست در برابر زنی روزنامه‌نگار قد برافرازد، منتشر کرد. در سال چهارم پس از وقفه‌ای پنج ماهه که مدیر مسئول دلیل آن را احتکار کغذ برشمرد، شماره‌ی یازدهم سال چهارم منتشر شد. این که شکوفه پس از شماره‌ی یازدهم سال چهارم انتشار یافت یا نه، روشن نیست. در چاپ این نشریه توسط کتابخانه‌ی ملی - به سال ۱۳۷۷ خورشیدی - نیز آخرین شماره، همان شماره‌ی یازدهم سال چهارم است و در پیش‌گفتار آن ناروشنی انتشار یا عدم انتشار شکوفه پس از شماره‌ی یازدهم، تصریح شده است.

درباره‌ی این که چرا شکوفه پس از چهارمین سال دیگر انتشار نیافت؟ پاسخ قطعی و روشنی نیافتیم. پری شیخ‌الاسلامی در کتاب زنان روزنامه‌نگار و اندیشمندان ایرانی می‌گوید: «انتشار شکوفه تا سال ۱۳۷۷ هجری قمری یعنی تا زمان مرگ مدیر آن ادامه داشت و بعد از آن متوقف شده» در این صورت انتشار شکوفه باید شش سال ادامه یافته باشد. شیخ‌الاسلامی از مدت زمان انتشار شکوفه سخنی نمی‌گوید و خواننده را به هیچ منبعی برای تأیید سخن‌اش مبنی بر ادامه یافتن انتشار شکوفه تا سال ۱۳۳۷ قمری - زمان مرگ مریم عمید - ارجاع نمی‌دهد.

در پیش‌گفتاری که زیر نظر هیئت علمی کتابخانه‌ی ملی بر چاپ نشریه‌ی شکوفه نوشته شده، پایان انتشار شکوفه، سال چهارم یعنی سال ۱۳۳۴ قمری یاد شده است. گمان می‌کنم مشکلات مالی - با توجه به شکوه‌ی مریم عمید از احتکار و گرانی کغذ که به وقفه‌ی پنج ماهه‌ی شکوفه انجامید و اشاره‌ی وی به بالا بودن هزینه‌های انتشار نشریه و درخواست مکرر وی از مشترکان نشریه برای پرداخت حق اشتراکشان - شکوفه را در چهارمین سال انتشار به خاموشی کشانده

باشد.

مریم عمید سرانجام در سال ۱۲۹۹ خورشیدی در سمنان درگذشت.

شکوفه دوسال پس از نشریه‌ی دانش و هفت سال پس از انقلاب مشروطه تأسیس شد. در شناسنامه‌ی شکوفه، روش و منش نشریه چنین اعلام می‌شود:

روزنامه‌یست اخلاق اصی حفاظت‌کده اطفال، خانم‌های، بچه‌های مسلک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان راجع به مدارس نسهان مقالاتیکه با مسلک جدید توافقی داشته باشد پذیرفته می‌شود.

مدیر مسئول در نخستین سرمقاله‌ی یکمین شماره از شکوفه، با عنوان منافع روزنامه برای خواتین محترمه، چنین می‌نگارد:

هیچ ملکیتی با بقاء تمدن و ترقی نگذاشته مگر بواسطه‌ی روزنامه روزنامه است که تنقید افکار و تربیت نظر و گفتار مینماید و طریقه زندگانی و تحصیل مکتب و ثروت و آداب و ادب و تربیت و مراهبه و معاشرت و رویه تحصیل علم و معرفت و طریقه تجارت و زراعت را بما نشان می‌دهد. روزنامه است که ترقی و تنزل و عزت و ذلت هر ملکیت را ظاهر می‌سازد و روزنامه است که اطوار و رفتار و اخلاق صند و رذایه هر طایفه و ملایه را کشف مینماید...

ما ز نمانی ایرانی می‌خواهیم در دایره ترقی پا گذاریم و اغلب ماها بلکه عموماً هنوز از فوائد علم و صنعت و هنر و کسب معیشت بی‌بهره و بی‌نصیب مانده حتی حساب ده شاهی پول را نمی‌توانیم داشته باشیم معلوم است کسی که تربیت او در بی‌تربیتی و ادب او در بی‌ادبی و دانش او در بی‌دانشی باشد چه خواهد بود.

مریم عمید در واپسین جمله‌ی این فراز، بسیار مختصر و مفید از راز زن مطلوب و الگوی آرمانی زن در جامعه‌ی مرد سالار پرده بر می‌فکند.

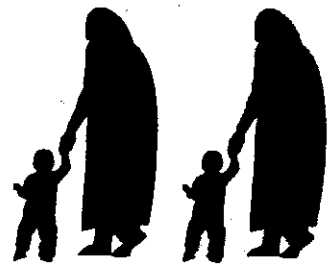
زن مطلوب و مورد خواست و نیاز سامانه‌ی مرد سالار، تعریفی دقیقاً در تقابل با مفهوم مرد مطلوب و الگوی مردی دارد. اگر برای مرد در این جامعه تربیت و ادب و دانش سفارش می‌شود و نکویی و ارزش مرد در این جوامع با دستیابی به دانش و ادب و تربیت و... محرز می‌شود، الگو و نقش زن دقیقاً در تقابل و رویارو

● ... بقسمی جلوه و نمایش دادند که این عمارت و معارف نسوان مکان غولان و اجنه و شیاطین است و جای حیوانات درنده و جانوران گزنده است الحذر الحذر که زنان باید در این عمارت داخل نشوند.

با این تعریف شناخته می‌شود. ارزشمندی و نکویی و به هنجاری زن در سامانه‌ی مرد سالار یا بی‌دانشی، بی‌ادبی، بی‌تربیتی و بی‌فرهنگی و جهالت سنج می‌شود. و همان‌گونه که مزین السلطنه می‌گوید تربیت او در بی‌تربیتی است و دانش او در بی‌دانشی و ادب او در بی‌ادبی؛ به عبارت دیگر سامانه‌ی مرد سالار زینت زن را در جهالت و زنانگی او را در بی‌خردی و بی‌خبری از امور غیر خانگی تبیین می‌کند.

مریم عمید در ادامه‌ی سرمقاله‌اش می‌نویسد:

در صورتیکه اطفال اقلاً تا سن هفت سالگی در تحت تربیت امهات میباشند و آنچه ملکه طبیعت آنها میشود که با شیر اندرون شد و با جان بدر شود آن ملکاتی است که از مادر بآنها رسیده است آن قیافه و آن شرفه قیافه یا ذات نیافته از هستی بخش کسی تواند که شود هستی بخش ولی بر احوال ماها که هر وقت بخواهیم حساب یکقران پولی که چیزی خریدیم بکنیم ناچار پناه بتصییع میبریم و حساب می‌کنیم و هر وقت که بخواهیم کاندی را بنویسیم باید یک روز معطل شویم برویم و مسجد شاه یا جایی دیگر در خدمت میزبانان کاندی نویسی هم پول بدیم و هم کاندی صحیح بنویسیم. پس باید این عقاید فاسد و کاسه را که اسباب خرابی چندین کزور نفوس ایرانی گفته از اذهان و کله‌های ما بیرون کرد بلکه اخلاق ذمیه را مبدل باخلاق حمیده و این مطالب هم باین زوایا ممکن نمیشود... مگر بواسطه‌ی روزنامه و جرایدها که مخصوص خود خانها و بزبان خودشان



که مانوس هستند. ایشان را از خواب غفلت بیدار و از اثر تخدیر مرفین جهل هوشیار کرد... هیچ وقت نباید خیال کرد که زنها نباید در جرگه تمدن عالم بشوند نه چنین است... از اول خلقت عالم همیشه زنها با مردها در امر معشیت و زندگی مشارکت داشته‌اند و جایزه در جمیع مساوات شده یک نفر زن بیکار پیدا نمیشود و همه داخل در صنعت و علم و هنر و صاحب مکتب و ثروت و همه در امورات زندگی با مردها شرکت بلکه در نظم بعضی از امورات زندگی بر مردها تفوق و برتری دارند... لهذا این کمینه خادمه وطن... زمین السلطنه صبیحه مرحوم چنت مکان میرزا سید رضی رئیس الاطبا برخورد واجب دانسته بقدر قوه عاقله ناقصه خود و بانظره فصح خویش با قلمی شکسته و نطقی آشفته که سالها بود در خیال بودم که چه جهت دارد از ما زنه‌ای ایرانی هیچ آثار علم و دانش به مرشد بروز و ظلمور نرسد و هیچ وقت خیال نمی‌کردم که باید علم و دانش مدعیان بصیرت رجال باشد و زنها از این فیض عظیم محروم و مانوس باشند و در صورتیکه قادر استعمال هر دو را یکسان آفرید بعلاوه چون خود زنان بر روی اختیار میباشند در ادب و تربیت و اخلاق آنها باید زیاده تر سعی نمود چه اگر مسلم طفل یا طایفه عالیه و [خوانده نشد] باشند طفل را از ابتدا بکارینه خوب و صحیح تربیت فرموده و اگر خفاص نکرده پس علم و بد اخلاق باشد چه عرض کنم از قدیم زنها است و مثل است.

نگاه بدست نمونه کن
مثل نمونه فریبه کن

و چون دانش آموزی زنان برای بهینه تربیت کردن فرزندان، از نخستین سرمقاله تا آخرین شماره‌ی این نشریه توسط مدیر مسئول و سایر نویسندگان شکوفه پیایی و پیوسته به عنوان استدلال محکم و مجاب کننده برای سامانه‌ی مردسالار تکرار و تکرار می‌شود و

●... هنوز آن موهومات و خرافات قدیم که زنان نباید علم و خط داشته باشند در دماغ و کله مردان و آقایان ما باقی است.

عقیقه صالحه روزگار و بعضی از نصاب چیز دیگر نوشته نشده انشاءالله.

دانش آموزی دختران، تأسیس مدارس دخترانه

برجسته‌ترین و نمودمندترین موضوع مورد بررسی و بحث و نظر، که مدیر مسئول و نویسندگان جریده‌ی فریاده‌ی شکوفه در اثباتش می‌کوشند، لزوم دانش‌آموزی دختران و وجوب تأسیس مدارس دخترانه و بهینه کردن کیفیت آموزشی و پرورشی این مدارس است.

برای نمونه نخستین مطلب نشریه‌ی شکوفه، که حتا پیش از سرمقاله‌ی مدیر مسئول در نخستین صفحه منتشر شده، اعلان امتحان مدرسه‌ی ام‌المدارس از طرف وزارت جلیله‌ی معارف و اوقاف است. در همه‌ی شماره‌های شکوفه اعلان آزمون‌های مدارس دخترانه، و اخبار و اعلان وزارت معارف، نامه‌ی مدیران مدارس دخترانه و طرح مشکلات مدارس دخترانه و اخبار چگونگی برگزاری آزمون‌های مدارس دخترانه و حتا اعلان نام پذیرفته شدگان در آزمون بر سایر مندرجات و مطالب روزنامه پیشی و بیشی آشکاری دارد.

و در شماره‌ی دوم نشریه‌ی شکوفه، اخبار اداره‌ی تفتیش کل وزارت جلیله‌ی معارف و اوقاف به مدیران مدارس دخترانه، نخستین صفحه‌ی نشریه را به خود اختصاص داده است:

اخطار از طرف تفتیش کل وزارت جلیله معارف و اوقاف

بر حسب حکم مطاع وزارت خانه عموم مدیرهای مدارس نسوان مکلفند مهله ذیل را کاملاً مراعات نموده از معارف آن تکلف نمایند

(۱) عموم مدارس باید دارای امتیازنامه از طرف وزارت معارف باشند هر یک از آنها دارا نباشند کتباً باطریق کل معارف و تعلیمات عمومی اخطار و درخواست خواهند کرد چنانچه مدیرها از این تکلف نمایند پس از یکمرتبه اخطار بضر بملاجل یکمرتبه چنانچه شروط امتیاز را بعمل آورده نباشند و الا باید بسته خود.

(۲) دو نفر از معارف آن محل باید در [خوانده نشد] معیره تصدیق کتبی طایفه و ضمانت اخلاقی نموده و اطریق تفتیش کل بعد از تفتیشات از اطریق کل معارف امتیازنامه را صادر کرده بدمیره‌ها خواهد داد.

(۳) مدارس سه کلاس نباید شاگردی که سن آن بیش از ده‌ساله

مستحقان
مستحقان
مستحقان

۱۷۱

عقوبات عقوبات عقوبات	مستحقان مستحقان مستحقان	مستحقان مستحقان مستحقان
عقوبات عقوبات عقوبات	مستحقان مستحقان مستحقان	مستحقان مستحقان مستحقان
عقوبات عقوبات عقوبات	مستحقان مستحقان مستحقان	مستحقان مستحقان مستحقان
عقوبات عقوبات عقوبات	مستحقان مستحقان مستحقان	مستحقان مستحقان مستحقان

حتا اگر استدلال‌های دیگری نیز در این گونه نوشته‌ها برای نشان دادن لزوم دانش‌آموزی زنان پدیدار شود، باز هم به باور نویسندگان این استدلال، برای پذیرش و به پس روی واداشتن سنت و عرف جامعه قاطع تر و قانع کننده تر است، بدین سبب بر آن بیش تر تأکید و پافشاری می‌کردند در این باره پس از این، بیش تر خواهیم نوشت.

و اما در پایان نخستین سرمقاله مریم عمید تمهد نامه‌ای به معنای اعلان آتش بس و نشان دادن پرچم سسپید به نیروهای واپس راننده و بازدارنده‌ی حرکت‌های زنان، می‌سپارد بدین مفهوم که چشم و گوش زنان را به اموری نگشاید که نباید و نشاید زنان در آن راه یابند و نظم نظام مردسالاری آن را برتابند:

در این جریده بغیر از علم اخلاق و ادب تربیت اطفال و حفظ انصاف مختصری براسی آنها و ترک ملامت به از قبول دروغ‌گویی کینه‌جویی پس فطری بی‌ناموسی امانده‌ی... و سایر اعمال و افعال قبیحه و آداب ضعیفه از روی طایب صمیمه و ادب خانم‌های و تشویق به بعضی هنرهای لازمه و ذکر احوالات بعضی از زنان جاهله

● این چه بخل و حسدی است که ما زنان را حیوانات لایشر میخوانیم؟

باشد پذیرند و مدارس که بیش از سه کلاس امتیاز رسمی دارند سن شاگردان آنها نباید از چهارده تجاوز نماید.

(۴) مدارسیکه شاگرد اکابر می‌پذیرند غیر از اجازات و امتیازاتی که در سایر مدارس ملانیه می‌شود باید در این اجازت مخصوص از افراط کمال معارف و تعلیمات عمومی باشند.

(۵) در مدارسیکه محل مدرسه خانه مدرس‌هاست مفتحه مدارس نسوان می‌تواند لیا و نهارا وارد آن خانه شده تفتیشات و تحقیقات لازمه نموده و راپورت بدهد در هر یک از مدارس نسوان بزرگ این مواد چیزه مشاهده شود دفعه اول اخطار و ده روز محلت و در ثانی البته آن مدرسه تعطیل خواهد شد.

ضمانت نامه

ما امضاکنندگان این ورقه ضمانت نامه در وزارت معارف و اوقاف شهادت داده و ضمانت میکنیم که علیا مکرمه

مدرسه صیبه خیال اخلاقاً و علماً لیاقت و شایستگی

تعلیم و تربیت اطفال را دارند.

ملاحظاتی خطی
محل امضاء خانم

موضوعی که در اخطار وزارت معارف و اوقاف قابل اعتنا

و توجه است، سخت‌گیری وسواس گون و نگاه نگران و موشکافی مبالغه‌آمیزی است که وزارت معارف نسبت به تأسیس مدارس دخترانه و ویژگی‌های اخلاقی مدیران آن مرعی می‌دارد.

تازه اگر مردم (مردان) با نفس تأسیس مدرسه و دانش‌آموزی زنان همراه باشند و نفس دانش‌آموزان زنان را تهدیدی مخاطره‌آمیز به‌کیان خود نپندارند، موضوع سلامت اخلاقی و صحت اندیشگی چیزی بر این مدارس مورد بحث و دقت خواهد بود و وزارت معارف برای اطمینان ضمیر دادن به چنین مردمانی (مردانی) نگاه نگران خود را به مدارس دخترانه دوخته است. برای تأسیس مدارس دخترانه که نوامیس مردم (مردان) را از درون امن‌خانه به بزبون خطرهای آلاینده‌ی پاکدامنی می‌کشاند و امکان و احتمال مخدوش شدن حیثیت و آبروی مردان را افزون

می‌کند، چنین سخت‌گیری‌هایی الزامی مردگرایانه دارد. نوامیسی که با کوچک‌ترین خطا و انحرافی که آن هم با فراسنجه‌های نظم مرد سالار تعریف می‌شود - وضعیت مردان را در زمین و آسمان به مخاطره می‌افکنند و خجل و سرافکننده‌شان می‌سازند، به طور قطع پاک داشت محیط دانش‌آموزان‌شان شایان سخت‌گیری این چنینی است. به گونه‌ای که اگر مدیر مدرسه‌ای بخواهد، دختران چهارده سال به بالا را در مدرسه‌اش بپذیرد، باید اجازه‌ی مضاعف و مخصوص بگیرد و مفتش بتواند لیللاً و نهاراً - شب و روز - وارد مدرسه شود و راپورت دهد.

در صفحه‌ی دوم، شماره‌ی دوم شکوفه صورت دست خطی که از اداره‌ی جلیله‌ی معارف و اوقاف رسیده بود، عیناً درج شده است:

علیا مکرمه محترمه خانم مزین السلطنه مدیره مدرسه مزینیه دامت شوکتها

عرض نوشته بودید بانضمام دو نسخه از شماره‌ی اول روزنامه شکوفه واصل و از مندرجات آن که در واقع راپورت مدارس نسوان و کلیات اطفال است و مفید بحال نسوان مستحض شده صورت مدارس نسوان فرستاده شد البته برای هر یک از مدارس از نسخه اول فرستاده شود گمان می‌رود از روی کمال رفعت پذیرفته و آهونه شوند ضمناً از طرف اداره تفتیش کمال هم مساعدت در اینخصوص خواهد شد نهایتاً هم اگر در روزنامه ملاحظه شود تدریجاً برتفع می‌شود در تصاویر آن قدری دقت کرده که از اطفالی خارج نشود...

جالب آن که موضوع عدم استفاده‌ی ابزار از تصویر زن، در زمان خانم عمید نیز به گونه‌ای دیگر مطرح و حساسیت‌زا بوده و وزارت جلیله‌ی معارف، مدیر مسئول را به دقت در تصاویر هشدار می‌دهد. نشترتزی شکوفه در ذره‌مخور مسطله‌ی دانش‌آموزی زنان و مدارس دخترانه را مطرح می‌کند. نخست به این که مدرسه چه است و لزوم تأسیس آن چیست؟ می‌پردازد و دوم به طرح بحث‌ها و استدلال‌هایی متجانب‌کننده برای اثبات ضرورت دانش‌آموزی زنان وقایع گردن افکار عمومی مردانه‌ی جامعه، بدین که تاتش‌آموزان زنان نفع و بهره‌ی مستقیم و بی‌واسطه‌اش به کودک، شوهر و سزاتجام میهن می‌رسد و آن نیز در راستای همان خدمات خانگی زنان و نه در نوردیدن و به‌گام سپردن آن مرزها و حریم‌های مرفساخته است.

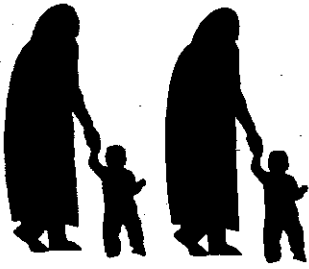
برای بررسی بیش‌تر به نمونه‌هایی از متن شکوفه می‌گیریم:

● اگر از زنها صاحب هنری بشوند چه ضرری بمردان دارد و چه منافع عاید مردان نمی‌شود؟

مدرسه چه نام است و شرایط آن کدام است

مدرسه اسم مکان است از برای تحصیل علم و دانش نه محل است از برای خودنمایی و آرایش، مدرسه مکان تحصیل معارف و دانشی است نه محل زینت و خودآرائی مدرسه جای آداب و تربیت انسانیت نه مکان وسوس و دسایس شیطان مدرسه کارخانه آدم‌سازی است نه مقام هر گونه لهو و لعب‌بازی مدرسه محل است از برای خضوع و خشوع و افتادگی نه مکان است از برای فروتن نخوت و خودستایی مدرسه مکان است از برای آموختن هنر و حرفه و صنعت نه محل است از برای بیکاری و بطالت و کمالت مدرسه مکان است از برای اطاعت عقل و علم و شرح و نه محل است از برای اجابت اوامر جهل و شهوات نفسانی مدرسه محل تعلیم و تعلم و تدریس است نه مکان خنده و جله و تدریس مدرسه مکانیست که هر کس در او وارد می‌شود در مدن اقامت در مدرسه باید در فکر تطریک روزگار آینده خویش باشد و در این زمان سعی و کوشش نماید که احداث متعلقه بحیات و زندگی خودش را از هر جهت و هر حیث درست فرماید چه از بابت آسایش در راحت و چه از بابت معاد و معاش و سرانجام و معاشرت و علم و معرفت بقسمی که چون شخصیت و هویت پیدا کرده و خود منشأ کار و امورات کرده دیگر استاد و معلم و فرمان فرما در هیچ امری لازم نداشته باشد... پس هر کس که به مدرسه داخل می‌شود و عقل و شعور دارد باید مقصود را بداند و نتیجه را در نظر داشته و جد و جهد بنماید تا بطلب برسد مثل اشخاصی که در مدرسه تحصیل می‌نمایند مثل اشخاصی است که زراعت و تلاحق می‌نمایند... باید دانست مقصود اصلی و طلب کلی از مدرسه همان تحصیل علوم و صنایع به تنهایی نیست بلکه عمده طلب

● مفتشه مدارس نسوان میتواند لیلاً و نهاراً وارد آن خانه شده تفتیشات و تحقیقات لازمه نموده و راپورت بدهد...



تهدیب اخلاق و صحت اعمال است که صفات ردیله از قبیل صد عداوت کذب نهدت سرعت عیبجویی مردم آزادی لامذهبی بی عصمتی و بی عفتی بی ناموسی عجب نخوت خودستایی االبالی گری بیخلفی بدزبانی مکر حيله بدسلوکی و بیحدودگی... غیره را از خود دور نماید و بجای آنها صفات و ملکات حسنه بگذارد مثل صحبت صداقت راستی درستی خوش قولی خوش خلقی مواصلات مساوات عصمت عفت شریعت تقوی شرافت و...

بدین سان مریم عمید در مقالاتی با عنوان مدرسه چه نام است و شرایط آن کدام است؟ و برخی نوشته‌های دیگر، می‌کوشد به مخالفان و معارضان تأسیس مدرسه‌های دخترانه، که مدرسه دختران را محل فتنه و فسق و فجور و موجب برهم خوردن نظم نظام مردسالارانه می‌دانند، پاسخ دهد و این مقالات در واقع محملیست برای پاسخ‌گویی به مخالفان و جذب افکار خوانندگان به سوی دیدگاه‌های مترقی.

همان گونه که خواهیم دید نشریه‌ی شکوفه به ویژه تا پیش از تشکیل انجمن همت خواتین مطلقاً تربیونی بود به دست مریم مزین‌السلطنه و دیگر مدیران مدارس دخترانه و سایر همفکرانش، برای استوار کردن باور و جوب و لزوم دانش‌آموزی زنان و جا انداختن ضرورت تأسیس مدارس نسوان؛ تربیونی که مریم عمید در کنار فعالیت اجزایی‌اش در تأسیس مدارس دخترانه، برای پاسخ‌گویی به مخالفان و معاندان و حمایت و پشتیبانی همفکران سخت پندان نیازمند بود و به کارگیری نشریه در کنار ایجاد مدارس و استفاده از آن در راستای نشر باورهای نو و زن‌گرایانه از هوشیاری‌های مریم عمید به شمار می‌رود. اما مریم عمید به اندازه‌ای در تیرای مدرسه‌ی دخترانه پیش می‌تازد که توصیف او از مدرسه‌ی دخترانه‌ای که قرار است ادب و علوم و فنون را به دختران بیاموزد، به سطح کارخانه‌ی تبدیل دختران حوای گناهکار به فرشتگان از پاک‌ی سرشته، فرا می‌رود.

همان گونه که گفته شد، موضوع دیگری که در نشریه‌ی شکوفه از افزونی بسیاری برخوردار بود، بحث و ایراد استدلال و ارائه‌ی دلیل برای لزوم تحصیل و سوادآموزی زنان بود. رکنی رکن این استدلال‌ها نیز تأثیر دانش‌آموزی زنان بر بهینه‌تر تربیت کردن کودکان و در نتیجه اصلاح نسل آینده بود.



... این اساس هر ملکات ترقی و پیشرفت هر ملت بسته بوجود زنهای آنجاست و انکسر خوب ملکات شهید خواهیم دید که همین است و لایق زیرا انکسر زن نبودی اساس سالم و لطیف هر خانواده بکلی منحل خصی چنانکه همه کسی میباید وجود زن براسی اولاد مدظلیت تاغه طرفه و در جهانات بخوبی دیده شده است که هیچ یک از جهانات پدر معینی نطرد یعنی تمام زحمات بچه بعد از مادر است از پرورش اولیه تا حد بلوغ و انس هم در مادر است نه در پدر غالباً دیده شده است انکسر اولاد جهانات بعد از تولد شدن انکسر نرین جنس بان بچه دست پاره او را طعمه خود قرار میدهد و قیص ملهط پس تربیت زن که اولی معلله و سرپیته طفل است واجب بل لازم است حتی بتطریق دیده شده دخترانی که بطحراق و بی تربیت هستند نه تنها در اولادشان اثری طرفه بلکه شوهرهای ایشان نیز بعد از چندی مجالست با ایشان رفته رفته اخلاق زشت ایشانرا خواهد

گرفت. چه بعد از مادر مریم مرد زن خواهد بود او را بهر طور که بخواهد بار خواهد آورد انکسر بطور تحقیق در مجرمین و مقصرین نظر انحازیم و از زن و اولاد و مادر او سوال نمائیم خواهیم دید این قبیل اشخاص مجالشان هم بعادات خودشان شریک بوده بلکه در اینراه مریم او بوده است و اینستکه بخوبی واضح است و اهمیت آن هم معلومت چنانچه دیده یا شنیده‌اید در عمالک مستبد اول سرمی که بر ضد میکرب آزادی و ترقی یک ملت و پیشرفت خیرات ظالمانه خود به کار میبرند همانا جلوگیری از تربیت و تحصیل دختران است زیرا که بخوبی میدانند در ملکاتی که مادرهای آنجا با تربیت باشند دزدی نمیشود وطن فروشی نیست خیانت بمال وجود نطرد بدیختی نخواهد ماند فقر عمومی از میان برطرف خواهد شد و برعکس جب وطن خدمت بنوی شرف ملی افتخار مذهبی فداکاری در راه استقلال وطن و... از اول طغولت در نهاد آنها متکین خواهد شد.

تاکید بر نقش مادری و تلاش و کوشش بی‌اندازه و بی‌مر در بازنمایی نقش مهم مادری و تربیت فرزند و کوشش در اثبات این که تنها مادر از عهده‌ی این تربیت بر می‌آید و از نمونه‌های حیوانی برای تبیین این رابطه‌ی واسطه‌ناپذیر - مادر و فرزندی - سودجستن و کودک را به زور تنها به دامان مادر گره زدن، گویا برای ۸۶ سال پیش مصداق استدلالی زن وراثه بوده است و تنها از این منفذ امکان اندک برون شد زنان از تنگنای مناسبات مرد سالارانه ممکن بوده است. و لفرق و بسیار وانمودن اثر و ثمر دانش آموختن زنان در اعتدالی ملکات و میهن، واکنتی دلفی در برابر آن گونه حمله‌های لفرق گون و مبالغه‌آمیز نسبت به سوادآموزی زنان و ناچیزانگاری آنان است. گذشته از این موضوع این که نویسنده‌ی این مقاله جلوگیری از سوادآموزی و تحصیل زنان را ویرگی و شاخص ممالک مستبد می‌شمارد و آن را اول سرم بر ضد میکرب آزادی و ترقی ملت می‌داند، طنز و طعنه‌ی زیرکانه را به حضرات در رأس مملکت در خود دارد. در ایران به دلیل همان جزء ممالک مستبد بودنش، هیچ‌گاه برای زنان انتقاد مستقیم و صریح میسر نمی‌نموده اما گاه نویسنده‌ی

شکوفه اعتراض را علنی تر می‌کند و پس از آن که زنان زاین را با زنان ایران مقایسه کرد، می‌گوید:

«خواهید فرموده که در مملکت ما کجا یکباب مدرسه بود که ما تحصیل نکرده‌یم بمانی خانم‌های مخره راست است این قول شما را تصدیق میکنم ما نمیکوئیم دولت برای ما تا بحال مدارس متوسطه و عالی حتی یکباب مدرسه ابتدایی هم برای نسلان بیچاره ایرانی باز نکرده است که آن دخترانی که میل دارند بمقامات عالیه علمی نااثر شوند بتوانند بمدارس عالی دولتی داخل شده مثل اول علم بزرگ و هاجب که برای دخترهای مستعد لازم است علم قلمه‌کسی است...»

و در زمان دیگری از اداره‌ی جلیله‌ی معارف و اوقاف می‌خواهد که میان مدارس پسرانه‌ی دولتی و مدارس دخترانه که خصوصی اداره می‌شود، تبعیض قائل نشوند و «آن‌ها را (مدارس دخترانه را) با صرف ذکور در یکمقام و مرتبه در تحصیل علوم بدانند چنانکه رسول اکرم فرمود طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة بلکه در تربیت و اخلاق زنان زیادتر سعی بنمایند و در تکمیل اسباب آن‌ها بیش تر جدیت بنمایند.»

و در جای دیگری نویسنده‌ی شکوفه به اعتراض از این که از نمد وزارت جلیله‌ی معارف کلامی برای زنان بافته نشد می‌گوید: «چگونه می‌شود که مدارس نسوان در زمره هیئت مدارس علمی باشد و هنوز یک مدرسه دولتی نداشته باشد و مدارس مجانی تشکیل نشود و عطف نظری بدوشیرگان نشود...»

برای بازنمایی اهمیت قانع کردن و مجاب کردن افراد به پذیرش سواد آموزی زنان و پیشی این گونه مقالات در شکوفه، ناگزیر به موارد پیش‌تری - اگر چه در اصل و بنیاد استدلال مشترکی داشته باشند - اشاره خواهیم کرد:

هرگاه بتاریخ علوم و معارف زنان ایرانی بقتصر سرآچه نمایم و بصفه اساسی و فلسفه او دقت نمایم خواهیم دانست که این خانه از قدیم ویران و بی‌بنیان بوده علاوه اینکه دانش‌مندان هر مصری و لولیا، امور هر زمانی در مقام تعمیر و مرمت کاری و تنظیم و آرایش و اصلاح او برنیامدند درصدد انهدام و انقضای او برآید بدون دلیل و برهان و بدون حجة و بیان با تیشه جهل و ناخانی ریشه این بنای محکم را از بیخ و بن برکنده و ویران نمودند و بقسمی جلوه و نمایش دادند که این عمارت و معارف نسوان

مکان فوآن و آنچه و شیاطین است و جام حیوانات درنده و جانوران هکزنده است الحذر الحذر که زنان باید در این عمارت داخل نشوند و از این شربت گوارا نهند و از این تریاق سموم و مفرح سموم و مفرح سموم استعمال نفرمایند تا زمانی که از اثر سم مملکتی جهل و ناخانی چنانچه مریضی و سردانی و در مجامع عمومی و خصوصی بر ضد احادیث اهل‌البیت و اخبار حضرت نبوی زبان بخانات و جلیات کشوند که این مطلب ملکه و ذهنی همه کس شد که زنان حرام است که سواد و علم و خط داشته باشند بعبارة آخر حرام است که زنان آدم بشوند و سرس میان سرها بیاورند و باید در زمره بهایم باشند و در هر مصری متفقدین آن مصر این مطلب را در جزء وصایا و نصایح پیش نهاد اشخاص مصر بعد میکردند بقسمی که هرگاه یک زنی میخواست یک کوره سواد تحصیل نماید اولاً اساسی جمع نبود از معلمه و غیره و ثانیاً مانند اشخاص ننگ زده و کسانی که اقدام بعمل قبیحی کردند مورد ملامت و سخریه بودند... هنوز آن سوءمومات و خرافات قدیم که زنان نباید علم و خط داشته باشند در دماغ و کله مردان و آقایان ما باقی است بعبارة آخر هنوز بعضی از رجال و متفقدین امور و رؤسای جمهور بفلسفه و شکل هندسی این کار برنخورند یا اینکه میدانند و تعدد میفرمایند...

در این گونه مقاله‌های شکوفه شاید هیچ عبارتی به اندازه‌ی حدیث «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» و شعر ذات نیافته از هستی بخش کسی تواند که شود هستی بخش ...

پیوسته تکرار مکرر نشده باشد. تکرار این دو عبارت یکی حدیث و دیگری شعر؛ نشانگر دو گونه استدلال نویسندگان شکوفه است. نخست سعی دارند با استدلالی دینی، دیندارانی را که تحصیل و دانش‌آموزی زنان را حرام می‌دانند، مجاب کنند و دیگر این که با استدلال مبنی بر مادری و مری‌گری زن بر فرزند می‌کشند افراد را به این که زن باید عالمه باشد تا بتواند مری‌شایسته و سزاواری به شمار رود، قانع کنند.

این دو دیدگاه که پیش از این همزیستانه در ذهنیت سامانه‌ی مرد سالار باز تولید می‌شدند، در این هنگام به تضادی دچار شده بودند که جمعشان ناممکن و صرفنظر از یک کدام شان امکان‌ناپذیر می‌نمود.

نخستین دیدگاه این که براساس الگوها و نقش‌هایی که به زنان در نظام مرد سالار واگذار می‌شود، دانش زنان در بی‌دانشی و ادب آنان در بی‌ادبی و خرد آنان در بی‌خردی و... است. دوم آن که زنان باید در اندرون خانه باشند و تنها به کارهای خانگی از جمله بچه‌داری، شوهر داری و... دست یازند و نباید در امور سیاسی و پلتیکی و اجتماعی دخالت کنند و برای تحقق این مهم زنان نباید وسیله و سلاح دخالت در امور سیاسی و اجتماعی - یعنی تحصیل علم و دانش و مهارت - را کسب کنند.

زنان روشن فکر در برابر این دو خواست و نقشی که سامانه‌ی مرد سالار به زن تحمیل می‌کند، ذهن این سامانه را با دیدگاه سومی که زبان و روح واژه‌ی مردانه داشت، درگیر می‌کنند؛ بدین گونه که می‌گویند زنان مطلوب بی‌دانش و بی‌خردی که بچه‌داری تنها شغل ازلی - ابدی، طبیعی - غریزی شان است، چه گونه می‌توانند، کودکان (پسران - مردان آینده) خردمند و دانشوری بپرورند که فردا زمام امور را در دست قدرتمندان بگیرند؟

و بدین ترتیب در شکوفه اعلام و اعلان می‌شود که زنان از آموختن دانش و سواد قصد تصاحب و تصرف حوزه‌های فعالیت مردانه را ندارند و مسلح شدن زنان به سلاح دانش خطری و تهدیدی برای نظم نظام مرد سالارانه نیست:

از جمله جهات کلیه اختلالات ما که خلیس سعی و ترتیب کوشش در رفع و ازاله آن لازم است عدم تربیت نسوان است که عموماً از فیش علوم و فنون و طرق تسهیل امور معشیت و زندگی و ترتیبات و تدبیرات مائتگی بی‌بهره و مرموند سموم زنان حتماً باید این چند چیز را که اصول معشیت بعضی بر آن است بدانند:

اولاً سواد و فائده آن و استیناس با شوهر و ضبط محاسبات مصارف و مخارج منزل و فیره است.

دویم اطلاع جزئی از درجات لولیه طب بقدریکه بتوان بان عمل حفظ لئحه نمود...

سیم داشتن مختصر صنعتی که بی‌کاری او را مجبور ببعضی ارتکابات جاهلانه و اقطاعات سرفرانه نماید.

ولس بدبختانه زنان ما از این چیزها یکسره مرموند اما آنها که بقول مصطلح صاحب سوادند فقط اطلاعات آنها منحصر است بقرائت اشعار خواهج حافظ و شیخ سعدی آنها هم برای تفال و... ولس این بدبختی که زن و شوهر در آن علی‌السوا هستند بواسطه بی‌رحمی مردها است

شکوفایی آرمان و...

که زن را در پست‌ترین از درجه جفا
باز گذاشته از پدران ما که این سیر
را نمی‌دانسته و از این جهت اقباس در
رفع آن نداشتند معذورند اما ما که
می‌دانیم و نمی‌کنیم البته مقصر
هستیم چرا... اکثر از زنها صاحب
هنری بشوند چه ضرری بر مردان دارد
چه منافع عاید مردان نمی‌شود این چه
بخل و حصص است که ما زنان را
چو انان لایشر میخواهیم من به شما
برادران قول میدهم که خواهان شما
هر قدر عقل و شعور پیدا نمایند از این
پدر بجز نصف حق پسر چیزی بآنها عاید
نشود.

این که نویسنده‌ی مقاله، نخستین حسن و نکویی
دانش آموختن را استیناس با شوهر بر می‌شمارد، و
ضبط محاسبات مصارف و مخارج خانه، نه سردی و
بی‌مهری به شوهر و اسراف و ولخرجی، خود نوعی ضد
حمله در برابر دیدگاه و باور رایجی‌ست که زنان سواد
آموخته را بی‌نیاز از مهر و انس با شوهر و مستغنی از
استیناس با او و چشم و گوش باز و بسیار خواه معرفی
می‌کند و دانش آموختن زنان را به نوعی سلاح دادن به
دست اسیر تعبیر می‌کند. بدین ترتیب می‌توان آشکارا
دید که درونه و نهاد این سامانه خود به ستم‌ورز و
ظلم‌آمیز بودنش اعتراف دارد... □

پانویشت:

- آگاهی‌ها پیش‌تر از زندگی مریم عمید نگاه کنید به کتاب
تاریخ سمنان، عبدالرفیع، سال ۱۳۵۲ ص ۶۹۲، ۷۰۲.
- ۱ - شیخ‌الاسلامی پری، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند
ایرانی، چاپ ۱۳۵۲، ص ۸۴-۸۶.
- ۲ - روزنامه شکوفه، ناشر کتابخانه‌ی ملی جمهوری
اسلامی ایران، ۱۳۷۷ خورشیدی.

حقوق زنان

برگ اشتراک ماهنامه‌ی

شماره‌ی اشتراک

نام: □□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

نام خانوادگی: □□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

شغل:

تحصیلات:

سن:

نشانی:

کدپستی:

یا صندوق پستی:

تلفن:

به پیوست فیش بانکی به شماره‌ی مبلغ

ریال بابت بهای اشتراک یک ساله‌ی مجله‌ی حقوق زنان (برای ۱۲ شماره) فرستاده می‌شود.
خواهشمند است مجله را برای مدت یک سال از شماره‌ی به نشانی بالا
بفرستید.

- برگ اشتراک را کامل و خوانا پر کرده و کدپستی را حتماً یادداشت کنید.
- بهای اشتراک را به حساب جاری شماره‌ی ۱۳۹۲۰ بانک ملی ایران شعبه‌ی امیرآباد کد ۱۲۸
به نام مجله‌ی حقوق زنان (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران) واریز کرده و اصل فیش
بانکی را همراه با برگ تکمیل شده‌ی اشتراک به آدرس: تهران - خیابان کارگر شمالی - خیابان
فرصت شیرازی - پلاک ۱۴ - طبقه دوم غربی (واحد ۶) مجله‌ی حقوق زنان یا صندوق پستی
۱۳۱۴۵/۳۶۳ بفرستید.
- لطفاً کپی فیش بانکی را تا زمان دریافت نخستین شماره‌ی اشتراک نزد خود نگاه دارید.
- بهای اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) با پست عادی مبلغ ۳۱۸۰ تومان برای تهران و
برای شهرستان ۳۲۴۰ تومان است. بهای اشتراک برای شش ماه (۶ شماره) نصف مبلغ بالا
خواهد بود.
- در صورت هر گونه تغییر در نشانی، سریعاً دفتر مجله را آگاه کنید.

مجله‌ی حقوق زنان

آگهی می‌پذیرد

۶۴۳۴۲۶۰

تلفن

۶۴۳۷۹۶۴

بخارا

مجله فرهنگی و هنری

مدیر و سردبیر: علی دهباشی

بخارا مجله‌ای است فرهنگی و هنری که در آن مقالات و نقدها و خبرهای مربوط به ادبیات و هنر ایران و جهان منتشر می‌شود.

شماره پنجم مجله فرهنگی و هنری بخارا با مقالاتی از نویسندگان، مترجمان، و استادان برجسته فرهنگ، ادب و هنر ایران منتشر شد. آثاری از:

محمد رضا شفیعی کدکنی - محمدمین ریاحی - قمر آریان - ایرج افشار - عزت‌الله فولادوند - هما ناطق - کامران فانی - عبدالحسین آذرنگ - انور خامه‌ای - ماه‌منیر مینوی - باقر پرهام - مینو مشیری - مصطفی رحیمی - هاشم رجبزاده - علی بهزادی - ویدا فرهودی - منوچهر ستوده - بیژن ترقی - مسعود بهنود - مه‌ری شاه‌حسینی - سیما کویان - پری آذرمنده - شفق سعد - شارلوت گریگوریان - پوران فرخزاد - فاطمه عشقی - پرویز خانفی - مرجان شیرمحمدی - فریدون مشیری - پونه ندائی - هرمز همایون‌پور - مریم بیات - پانته‌آ مهاجرکنگولو - حسن لاهوتی - فرخ تمیمی - عمران صلاحی - سیدفرید قاسمی - جلال خسروشاهی - حسن میرعابدینی - سلیم نیساری - آزاده آل‌محمد - بهار رهادوست - مهین بانوآسدی - فیروزه مهاجر - پرویز بابایی - ناهید کبیری و آویش خبره‌زاده.

شرایط اشتراک:

بهای اشتراک سالانه مجله بخارا در داخل کشور شش شماره با احتساب هزینه پست دوازده هزار تومان است. متقاضیان می‌توانند وجه اشتراک را به حساب جاری ۲۵۲۳ بانک صادرات شعبه ۷۷۴ اوایل خیابان میرزای شیرازی به نام علی دهباشی واریز کنند و اصل برگه را با ذکر نشانی دقیق (با قید کد پستی) به نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۶۶-۱۵۶۵۵ ارسال کنند.

تلفن و فاکس: ۸۷۰۷۱۳۲

نام و نام خانوادگی:

نشانی:

کد پستی:

تلفن: